

آمار خودکشی در ایران بسیار نگران کننده است <گسست!>

محمد رضائی

پیرمرد هرگز باورش نشد و هنوز هم باور ندارد که تنها به خاطر گفتن یک کلمه دختر جوانش هم او که هر صبح تا دم مدرسه بدرقه اش می کرد این چنین ققنوس وار به زندگی اش پایان داده باشد. زبانش بند آمد و او را هرگز یارای سخن گفتن نیست. سردرگریان یک جمله بیش نمی گوید چطور ممکن است، پیرمرد حتی در اعماق وجودش به دریافت پاسخی چنین تنها به خاطر گفتن فقط یک کلمه هرگز نمی اندیشید...

بہتر از ما چه کسی است،!

اگر در میان انبوه اخبار منتشره در کشور هیچ خبری از خودکشی نمی بینید تعجب نکنید به همان اندازه اگر در میان همین نشریات با اخبار خودکشی بومیان کانادا و روستائیان چین و قرقیزستان و جوانان تایلند مواجه شده اید نیز نباید تعجب کنید. شاید آنطرف مرزها خیلی شلوغ و پلوغ باشد اما این دلیل بر نبود برخی چیزها در این طرف نیست. مشکل تنها یک چیز است <دروازه بان خبر را سیاستی دگر آمده است >. گزارشگران و نویسندگان مطبوعات واقفند تحقیق پیرامون طلاق و خودکشی و... و دسترسی به آمار آن چندان آسان نیست. به تعبیر آن رئیس سازمان <ارقام محرمانه است >. در این میان اندک اخباری را که از طریق منابع متعدد به آن دست یافتیم برایتان نقل می کنیم.

سال ۷۶: ۸۰ نفر در استان بوشهر خودکشی کرده اند. ۶۲ نفر از آنان را زنان تشکیل می دادند.

سال ۷۷: فقط در شهر اصفهان در این سال ۲۰۶۶ مورد اقدام به خودکشی صورت گرفت که ۳۰۸ مورد آن منجر به مرگ شده است این آمار نسبت به سال ماقبل آن ۲ برابر افزایش نشان می دهد.

سال ۷۷: بیش از ۱۵۰ نفر طی ده ماهه اول این سال در کرمانشاه دست به خودکشی زده اند.

بهمن و اسفند ۷۷: ۱۳۴ نفر با سلاح سرد و گرم طناب دار سم و خودسوزی در

کرمانشاه به زندگی شان پایان دادند. غالب آنان زنان و دختران بودند.
پاییز ۷۸: دو برادر ۲۰ و ۱۸ ساله به فاصله ۱ شش ساعت در حوالی شهرستان اسدآباد
همدان خود را حلق آویز کردند.
پاییز ۷۸: طی یک ماه بیش از ۱۰ نفر در کوه دشت لرستان به دلیل مشکلات خانوادگی و
فقر به زندگی شان خاتمه دادند.
پاییز ۷۸: میل به خودکشی در تهران روزانه ۲۰ نفر است که این امر در هشت نفر
به وقوع می پیوندد. بیشترین این افراد را دختران تشکیل می دهند.
همین چند روز پیش: مرد جوان ۳۰ ساله ای در نزدیکی کرج خود را زیر قطار مترو
انداخت و بدنش کاملاً "متلاشی شد. در جیب وی کاغذی با عنوان <در انتظار و
به استقبال قطار مرگ > به دست آمد. ...و: به طور متوسط روزانه یک نفر در ایلام دست
به خودکشی می زند.

کسی می شنود،

آمارها تکان دهنده است. بحرانی جهانی در پیش است. بانک جهانی نیز
در گزارش های اخیر خود بر این امر صحنه گذارده است. آمارها زمانی نگران کننده تر
می شوند که بدانیم در سال های قبل به عنوان مثال از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ در ایران
تنها ۵۶۸ نفر اقدام به خودکشی کرده اند. اما سال گذشته تنها در یک شب یکی
از بیمارستان های تهران پذیرای ۵۰ نفر از کسانی بوده است که خودکشی کرده بودند.
تفاوت معنی دار آمار جدید این آسیب اجتماعی با سال های ماضی تنها مختص ایران
نیست بلکه نشان از بحرانی جهانی دارد. در افزایش این بحران همین بس که روند
رو به صعود آن وحشت شرکت های بیمه ای ژاپن [بابت بیمه عمر] را نیز برانگیخته است.
کارشناسان مولفه های بسیاری را در وقوع این آسیب اجتماعی دخیل می دانند.
بحرانی که هشتمین علت مرگ و میر را در ایران تشکیل می دهد - آمریکا نیز
دارای همین رتبه است - آنان شرایط بعد از جنگ استرس های روانی مشکلات اقتصادی
و حتی منازعات سیاسی و تشنجات اجتماعی را از جمله عوامل موثر می شمارند.
اما علی رغم آن ترجیح بند سخنان شان آن است که افزایش فقر لزوماً "افزایش خودکشی
را در پی ندارد.

آنان متفقاً "انگشت اشاره را سوی مسائل فرهنگی دراز می کنند. سخن آنان چندان دور واقعیت نیست. یکی از مسوولین سازمان بهزیستی که دهها مورد خودکشی را از نزدیک از

شاهد بوده است مصداق‌های فراوانی برای تأیید ادعای کارشناسان دارد. او از دختر جوانی یاد می‌کند که چندی پیش علی‌رغم وضعیت اقتصادی بسیار مناسب خانواده تنها به واسطه‌ی عزیمت از یکی از نقاط جنوبی شهر تهران به شمال آن دچار تضاد محیطی و فرهنگی شده و عصر یک روز و درست لحظاتی پس از برخورد لفظی با پدرش با پرت کردن خود از بالای ساختمان به‌زندگیش خاتمه داد. جرمش آن بود که پس از بازگشت از مدرسه با دوستانش در پارک دیده شد! او از چندین خودکشی دیگر نیز سخن می‌گوید که دختران جوان تنها به‌خاطر مسائل جانبی در ازدواج به آن تن دادند. جالب اینجاست که همه‌ی آنها از منظر اقتصادی <مرفه> محسوب می‌شدند. در تأیید سخنان این مسوول می‌توان از استان چهارمحال و بختیاری یاد کرد که خودکشی در آن روند روبه‌رشد و نگران‌کننده‌ای داشته و مهمترین علت آن نیز مطابق نظرات رسمی اختلاف خانوادگی عنوان شده است. استان ایلام را نیز می‌توان مصداق روشن‌دیگری دانست که هر از چندی نگاه‌های پر از تعجب کارشناسان را به‌خود جلب می‌کند. چرا که تنها در سال ۲۶ ۳۳۸ مورد رفتار خودکشانه در این استان رخ داد که ۸۱ درصد آن را زنان تشکیل می‌دادند و غالبشان نیز خود سوزی کردند. متأسفانه عمده‌ترین دلیل در این استان نیز فرهنگی شناخته شده است. می‌گویند شرایط در این استان به نحوی است که به همین خاطر فرد چنان تحمل می‌دهد که بدترین روش (خودسوزی) را برای خودکشی برمی‌گزیند بدون اینکه هیچ از کف

راه بازگشتی باقی گذارد زیرا به اعتقاد روانشناسان هدف کوشش‌هایی که به قصد خودکشی انجام می‌گیرد به ندرت مرگ و پایان دادن به زندگی است و بیشتر وسیله‌ای رساندن پیام و نمایشی برای جلب محبت است. < اما خودسوزی هرگز چنین نیست ... برای

چه باید کرد،

دکتر علیوردی یکی از صاحب‌نظران مسایل اجتماعی نیز همچون بسیاری دیگر از کارشناسان بر مسایل فرهنگی تأکید می‌کند و نوع غالب خودکشی در ایران را تقدیر

گرایانه دانسته و می‌گوید: <شایع بودن خودکشی تقدیر گرایانه در ایران مبین انعطاف‌ناپذیری و طاقت فرسا بودن هنجارهای اجتماعی به ویژه در استانهای کمتر صنعتی شده است که از انسجام و انتظام اجتماعی بالایی برخوردارند از جمله ایلام و کهگیلویه و بویراحمد. به عبارت دیگر این نوع خودکشی ناشی از <انتظام اجتماعی> افراطی بوده و بیانگر آن است که آینده اشخاص از پیش قالب ریزی شده و افراد تحت تأثیر نظارت بیرونی‌اند لذا خودکشی متضمن رهایی از یک شرایط هنجاری است که چاره‌ای جز آن وجود ندارد< چیزی که استاندار ایلام ملموس تر آنرا بیان می‌کند: <سطح زندگی در استان ایلام بسیار پایین و فضاهای تفریحی ورزشی و فرهنگی در آن بسیار محدود است. در شهر ایلام فضای عمومی رنگ‌ها و نوع معماری آن به گونه‌ای کنار هم قرار گرفته است که حاصلی جز افسردگی ندارد.>

باری هر دردی را درمانی نیز هست وقتی اینچنین آمار خودکشی زنان در کشور رو به افزایش باشد راهکاری نیز باید اندیشیده شود. یک جامعه‌شناس می‌گوید: <هر قدر میزان مشارکت بیشتر شود خودکشی کمتر می‌شود> و در اثبات ادعایش از استان‌هایی یاد می‌کند که به سبب میزان بالای مشارکت زنان در نیروی کار میزان خودکشی نیز کاهش یافته است. شاید فردها برای اندیشیدن در مورد بسیاری از مسائل دیر باشد. وقتی معاون امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی اعلام می‌کند: <نرخ خودکشی در ایران به طور متوسط ۲۵ تا ۳۰ در یکصد هزار نفر است و این بالاترین حد بحران خودکشی در جهان است زیرا متوسط آمار خودکشی در جهان ۱۱ آمار

تا ۱۲ در یکصد هزار نفر است > در حالیکه این میزان در انگلیس ۱۲ مورد برای یکصد هزار نفر در آمریکا ۱۱ مورد و در ژاپن ۱۷ مورد باشد آیا فردا دیر نیست ... اگر منازعات سیاسی در افزایش خودکشی موثر است چه کسانی به تشنجات دامن می‌زنند، اگر بپذیریم فقر در افزایش خودکشی تأثیر دارد چه کسانی فضا را بگونه‌ای ناامن می‌کنند که هیچ سرمایه‌گذاری پا به کشور نگذارد و اگر قصد <سرمایه‌گذاری> دارد و تا لب مرزمان سفر کند اما حاشیه‌آ جنوبی خلیج فارس را بر ما ترجیح دهد. چه کسانی بر طبل خشونت می‌کوبند چه کسانی جهانگردان را به باد کتک می‌گیرند که این اندک روزه امید و ارتزاق اقتصادی نیز باد هوا شود اگر ... چه کسانی ...